

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

سوم شعبان ۱۴۴۵ مطابق با ۱۴۰۲/۱۱/۲۴

ميلاد با سرسعادت امام حسين سرور آزادگان و شهيدان (عليه السلام)

را به پيشگاه پيامبر و اهلبيت عصمت و طهارت (عليهم السلام) به ويژه ولي عصر و حجت حق امام زمان (عج) و به همه دوستداران و ارادتمندان به مكتب رسالت و ولايت و همه مسلمانان و ستمديدگان و محرومين جهان تيريك و تهنيّت عرض مي‌كنم.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ (أَبَدًا) مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَجَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

لعلی و حسین و حسن	انّ فی الجَنّةِ نهرا من لبن
چشم بد بادا، از روی تو دور	به فلک می رود از روی تو، نور
حیف از روی تو و، خاک تنور!	حیف از جسم تو و سمّ ستور!

امام حسين(صلوات الله و سلامه عليه) فرمود: « أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ ضَمِنَ لِمَنِ اتَّقَاهُ أَنْ يُحَوَّلَهُ عَمَّا يَكْرَهُ إِلَى مَا يَحِبُّ وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ؛ إِيَّاكَ أَنْ تَكُونَ مِمَّنْ يَخَافُ عَلَى الْعِبَادِ مِنْ ذُنُوبِهِمْ وَ يَأْمَنُ الْعُقُوبَةَ مِنْ ذَنْبِهِ ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يُخَدَعُ عَنْ جَنَّتِهِ ، وَ لَا يُنَالُ مَا عِنْدَهُ إِلَّا بِطَاعَتِهِ ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ - شما را به تقوای الهی سفارش می کنم زیرا خداوند برای کسی که تقوای الهی داشته باشد ضمانت کرده که حالش را از آنچه ناخوش دارد به آنچه که دوست می دارد دگرگون سازد و از آنجا که گمان ندارد روزی اش دهد. پس بپرهیز از اینکه از زمره کسانی باشی که بر مردم از گناهانشان بیمناک است و از ترس کیفر گناه خود آسوده و در امان، و به راستی که خدای تبارک و تعالی درباره بهشتش فریب نخورد، و کسی به آنچه نزد خدا است نرسد جز به اطاعت و فرمانبرداری او. » (تحف العقول، ص ۱۷۰)

موضوع تدبر:

امام حسين (عليه السلام) در اين فرمايش خود، رعايت تقوا در چه زمينه‌هايی را اساسی می‌شمارد و مردم را از گرفتار آمدن به چه بليّهای بیم داده است؟

پاسخ اجمالی: به طور کلی حقيقت تقوا، رعايت رضای الهی و اطاعت امر اوست در همه امور زندگی؛ اما در بسیاری مواقع با تلبیس شیطان رجیم تنها ظاهری از این نسخه شفا بخش و راه وصول به سعادت، باقی می‌ماند و حقيقت آن مورد غفلت و فراموشی قرار می‌گیرد. سيّد الشهداء (عليه‌السلام) بیم می‌دهد که مبدا به خاطر دغدغه اصلاح ديگران، خود را شايسته پاداش بدانی در حالی که از اصلاح خود غافل هستی و به فرمان خداوند عمل نمی‌کنی!

پاسخ تفصیلی:

اساسی‌ترین میزان تقوا؛ اخلاص و خدامحوری، صبر و بردباری در اجرای فرامین حق و خدمت‌گزاری به خلق خداست که به شرح و تفصیل آن در سیره سیّد و سرور آزادگان جهان اباعبدالله الحسین خواهیم پرداخت:

اخلاص و خدامحوری: از زبان حضرت ابراهیم می‌خوانیم: « قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ - لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ - بگو: نماز و تمام عبادات من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند، پروردگار جهانیان است. همتایی برای او نیست، و به همین مأمور شده‌ام و من نخستین مسلمانم. » (انعام/۱۶۲-۱۶۳)

درباره امیرمؤمنان در قرآن می‌خوانیم: « وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ - و از مردم کسی است که جان خود را به خاطر خشنودی خدا می‌فروشد، و خداوند نسبت به بندگان مهربان است. » (بقره/۲۰۷)

و درباره اهل بیت علیهم السلام می‌فرماید: « وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا - إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا - غذا [ی خود] را با اینکه به آن علاقه دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌دهند [و می‌گویند]: ما شما را به خاطر خدا اطعام می‌کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم. » (انسان/۸ - ۹)

علی علیه السلام فرمودند: « طُوبَى لِمَن أَخْلَصَ لِلَّهِ عَمَلَهُ و عِلْمَهُ ، و حُبَّهُ و بُغْضَهُ ، و أَخَذَهُ و تَرَكَهُ ، و كَلَامَهُ و صَمْتَهُ - خوشا به حال کسی که عمل و علم و دوستی و دشمنی و گرفتن و ترک کردن و سخن گفتن و سکوتش را برای خداوند خالص کرده است. » (تحف العقول : ۱۰۰)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اباذر فرمود: « يَا أَبَا ذَرٍّ ، لِيَكُنْ لَكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ نَبِيَّةٌ صَالِحَةٌ ، حَتَّى فِي النَّوْمِ و الْأَكْلِ - ای ابوذر! باید در هر کاری نیتی پاک داشته باشی، حتی در خوردن و خوابیدن » (مکارم الأخلاق : ۲ / ۳۷۰ / ۲۶۶۱)

و نیز می‌فرماید: « إِذَا عَمِلْتَ عَمَلًا فَأَعْمَلْ لِلَّهِ خَالِصًا ؛ لَأَنَّهُ لَا يَقْبَلُ مِنْ عِبَادِهِ الْأَعْمَالُ إِلَّا مَا كَانَ خَالِصًا » هرگاه عملی انجام دادی، پس برای خدا خالصانه انجام بده؛ زیرا خداوند فقط اعمالی را از بندگان می‌پذیرد که خالصانه انجام شده باشد. » (بحار الأنوار : ۱/۱۰۳/۷۷)

امام صادق علیه السلام ریشه چنین اخلاصی را رضا می‌دانند: « رَأْسُ طَاعَةِ اللَّهِ الرَّضَا بِمَا صَنَعَ اللَّهُ فِيمَا أَحَبَّ الْعَبْدُ و فِيمَا كَرِهَ - سر [و اساس بندگی خداوند، راضی بودن به آن چیزی است که خداوند پیش می‌آورد؛ در آنچه بنده دوست دارد و یا ناخوشایند اوست. » (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۰۸، حدیث ۱۷)

همچنانی که امام حسین علیه السلام فرمود: « مَنْ طَلَبَ رِضَا اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أُمُورَ النَّاسِ؛ وَمَنْ طَلَبَ رِضَا النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ - هرکس رضایت خدا را بخواهد هر چند با خشم مردم همراه شود؛ خداوند او را از امور مردم کفایت می‌کند، و هر کس که دنبال رضایت مردم باشد با به خشم آوردن خداوند، خداوند او را به مردم وامی‌گذارد. » (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۲۱، روایت ۲۶۳۷)

همانگونه که حضرت در قیام خونین کربلا فرمودند: « اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَعْلَمُ اِنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَا كَانَ مِنَّا تَنَافُسًا فِي سُلْطَانٍ وَ لَا اِلْتِمَاسًا مِنْ فُضُولِ الْحُطَامِ وَلَكِنْ لِنَرُدَّ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرَ الْأَعْصَالَحَ فِي بِلَادِكَ وَ يَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ يُعْمَلَ بِفَرَائِضِكَ وَ سُنَنِكَ وَ أَحْكَامِكَ- بار خدایا! تو خود می‌دانی آنچه از ما سر زد، رقابت برای دستیابی به سلطنت و آرزوی زیاد کردن کالای بی‌ارزش دنیا نبوده است؛ بلکه برای این بوده که نشانه‌های راه دینت را ارائه دهیم و اصلاح را در شهرهایت آشکار نماییم و بندگان ستم‌دیده ات امنیت یابند و به واجبات و سنت‌ها و احکام تو عمل شود.» (موسوعه ، ص ۲۷۶)

امام حسین علیه السلام در کنار قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به درگاه خداوند عرض می‌دارد: «اَللّٰهُمَّ! وَاِنِّيْ اَحِبُّ الْمَعْرُوفَ وَ اَكْرَهُ الْمُنْكَرَ، وَ اَنَا اَسْأَلُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ بِحَقِّ هَذَا الْقَبْرِ وَ مَنْ فِيْهِ مَا اخْتَرْتُ مِنْ اَمْرِیْ هَذَا مَا هُوَ لَكَ رِضًیَّ وَ لِرَسُوْلِكَ فِيْهِ رِضًیَّ - خدایا! به راستی من معروف را دوست دارم و منکر را زشت می‌دارم. ای خدای بزرگ و بزرگوار! من از تو می‌خواهم به حق این قبر [پیامبر اکرم] و کسی که درون آن است، که برای من در این قیام آنچه رضایت تو و پیامبرت در آن است پیش آوری.» (بحار، ج ۴۴، ص ۳۲۸)

و آنگاه که از مدینه به سوی مکه حرکت نمود، فرمود: « اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ مَا شَاءَ اللّٰهُ، وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ، ... رِضًیَّ اللّٰهِ رِضَانَا اَهْلَ الْبَيْتِ، نَصْبِرُ عَلٰی بَلَايِهِ - سپاس برای خداست، آنچه خدا بخواهد [همان خواهد بود] و قوتی جز برای خدا نیست...، خشنودی خدا، خشنودی ما اهل بیت است و در مقابل بلای او صبر می‌کنیم.» (عوالم بحرانی، ج ۱۷، ص ۲۱۶)

و هنگامی که تیر به سینه حضرت اصابت کرد و به زمین افتاد فرمود: «بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ فِی سَبِيلِ اللّٰهِ وَ عَلٰی مِلَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ؛ به نام خدا و به یاد خدا و در راه خدا و بر دین رسول خدا [شهادت می‌شوم] .» (منتهی الامال، ج ۱، ص ۲۸۶)

همی در رخت از سرگذشتم	هم از عون و هم از جعفر گذشتم
رضا دادم تنم بی‌سر بگردد	ستوران بر همه پیکر بگردد
رضا دادم که اکبر کشته گردد	تن پاکش به خون آغشته گردد
زکینه پیکرم پامال گردد	ز عشقت سر زنی بر دار گردد

زمزمه صبحگاهان و شامگاهان حضرت همیشه این دعا بود: « بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ مِنَ اللّٰهِ وَ اِلَى اللّٰهِ وَ فِی سَبِيلِ اللّٰهِ وَ عَلٰی مِلَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ وَ تَوَكَّلْتُ عَلٰی اللّٰهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْلَمْتُ نَفْسِيْ اِلَيْكَ وَ وَجَّهْتُ وَجْهِيْ اِلَيْكَ وَ فَوَضْتُ اَمْرِيْ اِلَيْكَ اِيَّاكَ اَسْأَلُ الْعَافِيَةَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ فِي الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ - به نام خدا و به یاد خدا، از خداوند و به سوی او، و در راه او، بر آیین پیامبر او، و بر خداوند توکل کردم و نیرو و قدرتی جز به [اراده] خداوند بزرگ نیست. پروردگارا! جانم را به تو تسلیم کرده و چهره‌ام را به سوی تو گردانده و کارم را به تو واگذار نموده و از تو سلامتی از هر بدی در دنیا و آخرت را خواهانم.» (بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۳۱۳)

صبر و بردباری: در قرآن کریم، می‌خوانیم:

«وَاصْبِرْ عَلٰی مَا اَصَابَكَ اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ- و در برابر مصایبی که به تو می‌رسد شکیبا باش که این از کارهای مهم است.» (لقمان/۱۷)

«فَاصْبِرْ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ- پس صبر و شکیبایی پیشه کن که وعده خدا حق است.» (غافر/۵۵)

«وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ- خداوند صابران را دوست دارد.» (آل عمران/۱۴۶)

« إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ - به راستی خداوند با بردباران است.» (بقره/۱۵۳)

«اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ- از صبر یاری بجوید.» (بقره/۴۵)

در برخی آیات پاداش بی حساب صبر و شکیبایی به این صورت بیان نموده: «... إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ- همانا صابران اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می‌دارند.» (زمر/۱۰)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: فرمود: «الصَّبْرُ كَنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ- صبر گنجی از گنج های بهشت است.» (محجة البیضاء، ج ۷، ص ۱۷)

و علی علیه فرمود: «إِنْ صَبَرْتَ أَذْرَكْتَ بِصَبْرِكَ مَنَازِلَ الْأَبْرَارِ- اگر صبر کنی به مقامات ابرار می‌رسی.» (غررالحکم، حدیث ۳۷۱۳)

از حضرت مسیح علیه السلام نقل شده است که فرمود: «إِنَّكُمْ لَا تُدْرِكُونَ مَا تُحِبُّونَ إِلَّا بِصَبْرِكُمْ عَلَى مَا تَكْرَهُونَ - به راستی شما به آنچه دوست دارید نمی‌رسید مگر با صبر و بردباری بر آنچه بد می‌دارید.» (منتخب میزان الحکمه، ص ۲۸۷، روایت ۳۴۳۹)

امام حسین علیه السلام فرمود: «مَنْ أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ فَقَالَ إِذَا ذَكَرَهَا «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» جَدَّدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ أَجْرَهَا مِثْلَ مَا كَانَ لَهُ يَوْمَ إِصَابَتِهِ- هر کسی مصیبتی به او رسد، پس هرگاه که به یاد آن مصیبت می‌افتد بگوید: «ما از خدایم و به سوی خدا باز می‌گردیم.»، خداوند در روز قیامت پاداش او را [هر مقدار که تکرار کند] به میزان پاداش مصیبتی که به او رسیده است تجدید می‌کند.» (کنز العمال، منقی هندی، ج ۳، ص ۳۰۰)

نمونه هایی که در تاریخ و روایات آمده همه ما را به تحصیل این عنصر اساسی راه سعادت می‌خوانند: پس از شهادت امام مجتبی علیه السلام، گروهی از کوفیان و دیگر شهرها به امام حسین علیه السلام نامه نوشتند و تقاضای قیام کردند. امام در جواب آنها فرمود: «همانا نظر برادرم - که خدا او را رحمت فرماید - وفاداری به پیمان صلح بود، و نظر من مبارزه و جهاد با ستم کاران است که رستگاری و پیروزی به همراه دارد، پس تا معاویه زنده است، در جای خود باشید [و صبر پیشه کنید،] پنهان کاری نمایید، اهداف خود را مخفی کنید تا مورد سوء ظن قرار نگیرید، پس هرگاه معاویه از دنیا برود و من زنده باشم، نظر نهایی خود را به شما اعلام می‌کنم، ان شاء الله.» (انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۵۱، حدیث ۱۳)

وقتی مراسم غسل و تکفین امام حسن علیه السلام تمام شد، امام حسین علیه السلام بر آن نماز گزارد و قصد داشت برادر را در کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله دفن کند. مروان، داماد عثمان، سوار بر قاطری شد و خود را به عایشه رساند و او را تحریک کرد که جلو این کار را بگیرد. اندکی بعد تعدادی از مخالفان به رهبری عایشه صف کشیدند و خطاب به امام حسین علیه السلام گفتند: سوگند به خدا نمی‌گذاریم حسن را در کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله دفن کنید. امام حسین علیه السلام فرمودند: «اینجا خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله است و توای عایشه یکی از همسران نه گانه آن حضرت هستی، که اگر حق تو محاسبه شود به اندازه جایگاه قدمهای خود از این خانه سهم داری.» در اینجا بنی هاشم دست به شمشیر بردند و نزدیک بود جنگی پدید آید؛ اما امام حسین علیه السلام به خاطر

عمل کردن به وصیت برادرشان مبنی بر اینکه خون ریزی صورت نگیرد، صبر کردند و فرمودند: «الله ان تفعلوا وتضعوا وصية اخي وقال لعائشة: والله لولا ان ابا محمد اوصى الى ان لا اهريق محجمة دم لدفنته ولو رغم انفك-خدا را، خدا را [پروا کنید] ، مبدا کاری انجام دهید که وصیت برادرم ضایع گردد.» و خطاب به عایشه فرمود: «سوگند به خدا! اگر برادرم وصیت نکرده بود که مبدا قطره‌ای خون ریخته شود، او را [در کنار پیامبر] دفن می‌کردم ولو اینکه بینی تو به خاک مالیده شود.» (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۰۲، حدیث ۳)

ولی عایشه و طرفداران او دست برنداشتند، و با برخورد مسلحانه جنازه را تیرباران کردند. امام فرمود: «ایها الناس فمن كان منكم يصبر على حد السيف وطعن الاسنة فليقم معنا و الا فلينصرف عنا- ای مردم! هر کدام از شما که می‌تواند بر تیزی شمشیر و ضربات نیزه‌ها صبر کند با ما قیام کند [و بماند] وگرنه از میان ما بیرون رود [و خود را نجات دهد].» (ینابیع المودة، ص ۴۰۶)

در روز عاشورا خطاب به یاران با چهره‌ای گشاده و با نفس آرام فرمود: «صَبْرًا بَنِي الْكِرَامِ! فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ تَعْبُرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَ الضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَانِ الْوَاسِعَةِ وَ النَّعِيمِ الدَّائِمَةِ - ای فرزندان کرامت و شرف! شکیبا باشید، مرگ پلی بیش نیست که ما را از مشکلات و سختی‌ها به سوی بهشت وسیع و نعمت‌های جاویدان عبور می‌دهد.» (لهوف، ابن طاووس، ص ۲۶)

و دیگر فرمود: «إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَذِنَ فِي قَتْلِكُمْ فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ - به راستی خداوند اذن کشته شدن [و شهادت شما را] داده است، پس بر شما لازم است که صبر کنید.» (کامل الزیارات، ص ۳۷)

و آنگاه که بعد از جنگ آشکار فرزند برادر برگشت و از عمو آب خواست، فرمود: «یابنی اصبر قليلا حتى تلقى جدك فيسقيك شربة من الماء لا تطما بعدها ابدا- پسر! مدت کمی شکیبایی کن تا جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله را، ملاقات کنی، پس آنگاه از آبی سیرابت کند که هرگز بعد از آن تشنه نشوی.» (ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۳۳۱)

و خطاب به علی اکبرش هنگامی که برای تجدید قوا آب خواست، فرمود: «اصبر حبيبي فانك لاتمسي حتى يسقيك رسول الله بكأسه- عزیز دلم صبر کن؛ زیرا به زودی از دست جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله سیراب می‌شوی.» (اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۰۷)

گمان مدار که گفتم برو، دل از تو بریدم	نفس شمرده زدم مهرت پیاده دویدم
محاسنم به کف دست بود و اشک به چشم	گاهی به خاک فتادم گهی ز جای پریدم
دلم به پیش تو، جان در فغان دیده به قامت	خدای داند و دل شاهد است من چه کشیدم
هنوز العطشت میزد آتشم که زمیدان	صدای یا ابتای تو را دوباره شنیدم
پسر! نه تیغ شمر مرا می‌کشد نه نیزه خولی	زمانه کشت مرا لحظه‌ای که داغ تو دیدم

حضرت خطاب به سکینه فرمودند: «یا نور عینی... فاصبری على قضاء الله ولا تشكى فان الدنيا فانية والآخرة باقية- ای نور چشم!... پس باید بر تقدیرات الهی صبر کنی و شکوه نکنی؛ چرا که دنیا ناپایدار و آخرت ماندگار است.» (ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۳۶۰)

و آن گاه که حضرت به زمین افتاد فرمود: «صَبْرًا عَلَى قَضَائِكَ يَا رَبَّ لَا إِلَهَ سِوَاكَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، وَ لَا مَعْبُودَ غَيْرُكَ، صَبْرًا عَلَى حُكْمِكَ - در برابر قضای تو صبر می‌کنم، خدایی جز تو نیست، ای پناه پناه آورندگان، و معبودی جز تو وجود ندارد، بر حکم تو صبر می‌کنم.» (اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۱۰)

خدمت‌گزاری: در قرآن کریم از مصادیق خدمت‌گزاری می‌خوانیم: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ...» هرگز به نیکوکاری نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، انفاق کنید.» (آل عمران/۹۲)

«وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» احسان کنید که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد. (بقره/۱۹۵)
«وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» در راه نیکی و تقوا با هم تعاون کنید. (مائده/۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ وَهَبَ اللَّهُ لَهُ مَالًا فَلَمْ يَتَصَدَّقْ مِنْهُ شَيْئًا» از رحمت خدا دور است، از حمت خدا دور است کسی که خداوند به او مالی عنایت کند، ولی چیزی از آن صدقه ندهد. (منتخب میزان الحکمة، ص ۵۱۲، روایت ۶۲۳۸)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ» رئیس و آقای هر قومی، خدمت‌گزار آن قوم است. (من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۲۶)

و امام علی علیه السلام می‌فرماید: «السَّيِّدُ مَنْ تَحَمَّلَ أَثْقَالَ إِخْوَانِهِ» آقا کسی است که بار مشکلات سنگین برادران دینی خود را به دوش کشد. (غررالحکم، شماره ۹۶۲۱)

امام حسین علیه السلام فرمودند: «وَاعْلَمُوا إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمْلُوا فَتَحْوَِرَ نِقْمًا» بدانید نیازهای مردم به سوی شما، از نعمت‌های پروردگار برای شما است؛ پس نعمت‌ها را [پس نزنید و] از دست ندهید که دچار عذاب الهی می‌شوید. (کشف الغمّة، ج ۲، ص ۲۹)

و نیز فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ جَادَ سَادَ، وَمَنْ بَخَلَ رَدُلٌ، وَإِنَّ أَجَوَدَ النَّاسِ مَنْ أَعْطَى مَنْ لَا يَرْجُوهُ» ای مردم! هر کس بخشش کند، سروری کند و هر کس بخل ورزد، پستی کرده است، و همانا بخشنده‌ترین مردم کسی است که به انسانی کمک کند که [به او] امیدی نداشته باشد. (کشف الغمّة، ج ۲، ص ۲۹)

همچنانکه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره پاداش و پی آمد خدمت‌گزاری فرمود: «مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَكَانَ عَبْدَ اللَّهِ تِسْعَةَ آلَافِ سَنَةٍ، صَائِمًا نَهَارَهُ قَائِمًا لَيْلَهُ» کسی که برای برطرف کردن نیاز برادر مؤمنش تلاش کند، گویا خدا را نه هزار سال عبادت کرده است که روزهایش را روزه دار و شب‌هایش را بیدار بوده است. (بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۵، حدیث ۷۳)

مردی از انصار نزد امام حسین علیه السلام آمد. می‌خواست نیاز خود را مطرح کند، ولی امام حسین علیه السلام به او فرمودند: «يَا أَخَا الْأَنْصَارِ صُنْ وَجْهَكَ عَنْ بَذْلَةِ الْمَسْأَلَةِ وَارْفَعْ حَاجَتَكَ فِي رُفْعَةِ فَإِنِّي آتٍ فِيهَا مَا سَأَرْتُكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ» ای برادر انصاری! آبرویت را از اینکه آشکارا درخواست کنی نگهدار و درخواست خود را به صورت کتبی عرضه کن، و من نیز طوری عمل می‌کنم که زمینه شادی و خوشحالی تو فراهم شود، ان شاء الله. (تحف العقول، ج ۲، ص ۲۴۷)

آن مرد به حضرت چنین نوشت: ای ابا عبدالله! فلانی از من پانصد دینار [سکه طلا] طلبکار است و برای دریافت آن پافشاری می‌کند. با او گفتگو فرمایید تا زمان میسر شدن مهلت دهد. هنگامی که امام حسین علیه السلام نامه را خواند، به منزل خود رفته، کیسه‌ای که در آن هزار دینار بود آورد و به او داد و سپس فرمود: «پانصد سکه آن را به قرضت بده و پانصد سکه دیگر را کمک خرج زندگی خود ساز و حاجت خود را فقط با سه گروه مطرح کن: دیندار، جوانمرد، و ریشه دار [و آن که از نظر خانوادگی اصالت دارد]. اما دیندار برای حفظ دین خود حاجت تو را برآورده می‌سازد و جوانمرد از مردانگی

خود شرم می‌کند و انسان ریشه دار می‌داند که تو با این رو انداختن به او، از آبرویت مایه گذاشتی، لذا با برآوردن نیازت آبروی تو را حفظ می‌کند.» (تحف العقول، ص ۴۳۰)

از شعیب بن عبدالرحمان خزاعی نقل شده است که: «وُجِدَ عَلَى ظَهْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ يَوْمَ الطَّفِّ أَثَرٌ ، فَسَأَلُوا زَيْنَ الْعَابِدِينَ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ : هَذَا مِمَّا كَانَ يَنْقُلُ الْجَرَابَ عَلَى ظَهْرِهِ إِلَى مَنَازِلِ الْأَرَامِلِ وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ - بر پشت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا اثر [زخمی] یافت شد، پس از امام زین العابدین علیه السلام درباره آن سؤال کردند، حضرت فرمود: [این اثر] مربوط به انتقال بارها است که حضرت [شبانه] به منزل بی‌سرپرست ها و یتیمان و فقیران می‌برد.» (منتخب میزان الحکمه ، ص ۴۵، روایت ۵۰۱)

روزی امام حسین علیه السلام برای عیادت «اسامه بن زید» به خانه او رفت که سخت بیمار بود، وقتی نگاه او به امام افتاد آهی کشید و از اندوه خود یاد کرد. حضرت فرمودند: «وما غمک یا اخی؟ ای برادر! چه اندوهی داری؟» اسامه عرض کرد: اندوه من قرض فراوان است. من شصت هزار درهم بدهکارم. حضرت فرمودند: «ادای دین تو بر عهده من است.» اسامه گفت: می‌ترسم از دنیا بروم و قرض من پرداخت نگردد. حضرت فرمودند: «لن تموت حتی اقصیها عنک- پیش از آنکه مرگ تو فرا برسد من قرض تو را می‌پردازم.» (بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۹، حدیث ۲)

روزی امام حسین علیه السلام با جمعی از دوستان وارد باغ خود در مدینه شد. غلام آن حضرت به نام «صافی» نگهبان آن بود. امام به گونه‌ای وارد شد که غلام متوجه او نشد، حضرت دید او مشغول غذا خوردن است، روش غذا خوردن او امام را به خود جلب کرد؛ زیرا او هر قرص نانی که برمی داشت نصف آن را به سوی سگی که در پیش روی او بود می‌انداخت. ناگهان غلام متوجه آمدن حضرت شد. حضرت پرسیدند: چرا در غذا خوردن هر قرص نانی که برمی داشتی نصف آن را به سگ باغ می‌دادی؟ غلام عرض کرد: من غلام شما و نگهبان این باغم و این سگ نیز نگهبان این باغ است. وقتی سفره انداختم، در مقابل من نشست و به من نگاه می‌کرد. من حیا کردم که او گرسنه باشد و من غذا بخورم، از این رو هر قرص نان را مساوی تقسیم کردم. حضرت از پاسخ غلام به گریه افتاد و فرمود: «إِنْ كَانَ كَذَلِكَ فَأَنْتَ عَتِيقٌ لِلَّهِ تَعَالَى وَ وَهَبْتُ لَكَ أَلْفِي دِينَارٍ- اگر چنین است تو را در راه خدا آزاد کردم و دو هزار دینار نیز به تو بخشیدم.» غلام گفت: اگر مرا آزاد کنی من دست از تو برنمی دارم و باغبان تو در این باغ باقی می‌مانم. وقتی امام وفاداری او را دید، همه باغ را به او بخشید و فرمود: «انسان بزرگوار باید عمل او گفتارش را تایید کند... این باغ را با آنچه در آن است به تو بخشیدم، پس دوستان مرا میهمانان من به حساب آور و به آنان احترام بگذار، خدا تو را در روز قیامت کرامت ببخشد، و اخلاق نیکو و ادب تو را مبارک گرداند.» (بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۴، حدیث ۴)

انّ فی الجنّة نهرا من لبن

لعلی و حسین و حسن

گل نو رُسته من! رو تو بخواب! بلبل خسته من! رو تو بخواب!

گل و گل‌دسته من! رو تو بخواب! دست و پا بسته من! رو تو بخواب!

انّ فی الجنّة نهرا من لبن

لعلی و حسین و حسن

ای رخت مظهر اسماء و صفات شاه خوبان ز تجلی تو، مات

در دهان تو بَوَد، آب حیات
السلام علیکم یا اهل بیت النبوة

ای تو سرچشمه لطف و برکات